

Ethical Foundations of Fault-based Responsibility in Realizing Civil Responsibility (Iranian Legal System and Common Law Legal System)

A. Fallah¹, V. Ghasemi Ahd Ph.D.^{2*}, H. Ali Karami Ph.D.²

1. Ph.D. Student in Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

2. Department of Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Abstract

Background: According to Article 1 of the Civil Liability Law, liability is based on fault. However, due to the fact that the discussion of responsibility is a matter of moral challenge and in various situations conflicts arise in the confrontation of responsibilities with each other, the civil law does not necessarily consider the fault of the defendant as a condition for the realization of responsibility. Considering the importance of this issue and the fact that it is a challenging issue in the field of ethics, the present article was formed with the aim of investigating the moral foundations of fault-based responsibility in realizing civil liability by comparing the legal system of Iran and the common law system.

Conclusion: The basics of the theory of fault has a deep connection with ethics because the good faith and bad faith of the actor play a significant role in compensation. In the developments that have occurred in the theory of fault and led to the emergence of a new theory of fault, although social concepts It has been given more attention and ethical standards have been criticized, but Madakah in the mentioned theory shows its moral significance. The role of fault in compensating for damages is when the defendant commits ignorable negligence, and according to the law, the judge is given the authority to reduce the number of damages for the defendant, because in the moral theory, the responsibility is only based on the intent of the defendant.

Key words: Fault, morality, Civil responsibility, Iranian law, Common law

***Corresponding Author:** Ghasemi Ahd V. Department of Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. Email: vghasemiahd@gmail.com

How to cite: Fallah A, Ghasemi Ahd V, Ali Karami H. Ethical Foundations of Fault-based Responsibility in Realizing Civil Responsibility. Ethics in Science and Technology. 2025,19(4): 49-56.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

مبانی اخلاقی مسئولیت مبتنی بر تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی (نظام حقوقی ایران و نظام حقوقی کامن لا)

اصلاح فلاح^۱، دکتر وحید قاسمی عهد^۲، دکتر حمیدرضا علی کرمی^۳
۱. دانشجوی دکتری حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
۲. گروه حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵)

چکیده

زمینه: بر اساس ماده یک قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت بر مبنای تقصیر استوار شده است. اما به این علت که بحث مسئولیت موضوعی مورد چالش اخلاقی است و در وضعیت های مختلف تعارضاتی در تقابل مسئولیت ها با یکدیگر پدید می آید، قانون مدنی الزام تقصیر خوانده را شرط تحقق مسئولیت ندانسته است. با توجه به اهمیت این موضوع مقاله حاضر با هدف بررسی مبانی اخلاقی مسئولیت مبتنی بر تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی با مقایسه نظام حقوقی ایران و نظام حقوقی کامن لا شکل گرفت.

نتیجه گیری: مبانی نظریه تقصیر پیوند عمیقی با اخلاق دارد چرا که حسن نیت و سوء نیت فاعل در جبران خسارت نقش به سزایی دارد. در تحولاتی که در نظریه تقصیر رخ داده است و منجر به پیدایش نظریه جدید تقصیر شده است، نیز گرچه مفاهیم اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و معیارهای اخلاقی نقد شده اند، اما مذاقه در نظریه یاد شده فجای اخلاقی آن را نشان می دهد. نقش تقصیر در جبران خسارت هنگامی است که خوانده مرتکب غفلت قابل اغماض می شود و حسب قانون این اختیار به دادرس داده می شود که در میزان خسارت برای خوانده تخفیف قابل شود زیرا در نظریه اخلاقی مسئولیت تنها بر اساس قصد و نیت مقصر بر او هموار می شود.

کلیدواژگان: تقصیر، اخلاق، مسئولیت مدنی، حقوق ایران، حقوق کامن لا.

سرآغاز

امروزه زیان هایی که از تقصیر ناشی می شود تا اندازه ای مهم اند که جای هیچ تردیدی در مسئول بودن فاعل چنین زیان هایی باقی نمی گذارند. در بسیاری از نظام های حقوقی اگرچه تقصیر تنها مبنای مسئولیت نیست اما یکی از مبانی مهم مسئولیت است. امروزه با افزایش دعاوی مسئولیت مدنی همواره تلاش جهت تسهیل دعاوی مذکور از طریق حذف عنصر تقصیر یکی از دغدغه های قانون گذاران بوده است تا از این طریق زیانها راحت تر جبران شود اما نقش تقصیر در زمینه های مختلف ورود خسارت چنان مشهود است که تردیدی در تحقیق و بررسی باقی نمی گذارد. همچنین در این پژوهش تلاش شده است که به این پرسش اساسی پاسخ گوید که: قصدیت در مسئولیت و مبانی اخلاقی مسئولیت مبتنی بر تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی با رویکردی بر نظام حقوقی ایران و نظام حقوقی کامن لا چگونه تحلیل می شود؟

در بیشتر نظام های حقوقی و از جمله در نظام حقوقی^۱ ایران برای تحقق مسئولیت مدنی^۲ وجود سه رکن همواره لازم است. این سه رکن عبارت اند از: فعل زیان بار، ضرر و رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر وارده. با دقت در حقوق اسلامی^۳ و روم و کامن لا به نظر می رسد که در هیچ کدام، قصد اخلاقی^۴ در تقصیر که امری اخلاقی درباره نیتمدنی مقصر در مسئولیت آفرینی برای اوست به عنوان یکی از ارکان مسئولیت جایگاهی نداشت هر چند که در اضرار باواسطه جهت احراز رابطه سببیت تقصیر^۵ نقش مستقلى داشت اما رکن مستقلى محسوب نمی شد. چنان که اگر کسی چاهی در معبر عموم حفر می کرد و رهگذری در آن می افتاد، حفر کننده ی چاه مسئول بود و اگر چاه را در ملک خود حفر می کرد ضامن ضرر وارده نبود که فرض اول را در فقه به عدوان یاد می کنند که چهره ای دیگر از تقصیر است. در کامن لا^۶ نیز ضرر مستقیم نیازی به وجود تقصیر نداشت و تابع قواعد مسئولیت محض بود ولی در سده نوزدهم اصل بر این شد که تنها ضرر ناروا سبب مسئولیت شود و تقصیر نیز رفته رفته مفهومی اخلاقی یافت^(۱).

بحث

مسئولیت اخلاقی^۷ و مسئولیت مدنی

برای ورود به بحث ابتدا نیاز است بدانیم مسئولیت مدنی و اخلاقی به چه معنا هستند و چه تفاوتی با هم دارند. به شکل ساده می توان گفت؛ هدف مسئولیت مدنی احقاق حق ثالث و جبران ضرر وارده به دیگری است. در حالی که هدف مسئولیت اخلاقی اصلاح درون و نهاد شخص مسئول است. ضمانت اجرای مسئولیت مدنی جبران ضرر وارده به دیگری است. ولی ضمانت اجرای مسئولیت اخلاقی عدم تکرار عمل ناشایست و جلب رضایت خالق یا وجدان آگاه شخص مسئول است. برای روشن تر شدن موضوع در ادامه مسئولیت اخلاقی و مسئولیت مدنی به شکلی مجزا تعریف می شوند.

الف) مسئولیت مدنی به چه معناست؟

پس از ظهور مکاتبی که بر نقش قانون تأکید داشتند. حقوق و تکالیف افراد به صورت قانون مدون تنظیم گردید و قانون گذار ضمانت داد که از حقوق اشخاص حمایت کند... از این زمان مفهوم مسئولیت مدنی شکل گرفت. مسئولیت مدنی در اصطلاح عام به هرگونه تعهدی که قانون بر عهده شخص قرار داده باشد تا زیان وارده بر دیگری را جبران کند می باشد. و در معنای خاص بدین معناست که انسان وقتی از نظر مدنی مسئول تلقی می شود که ملزم باشد آثار و نتایج ضرر وارد به دیگری را جبران نماید. در این هنگام است که اصطلاحاً می گویند چنین شخصی در برابر زیان دیده ضامن است و یا به تعبیر دیگر، مسئولیت مدنی دارد.^(۲)

در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است می گویند: در برابر و مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است^(۳). این قاعده عادلانه از دیرباز وجود داشته است که «هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند مگر در مواردی که اضرار به غیر حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است ناروا و نامتعارف جلوه نکند».

بعضی برای تعریف مسئولیت مدنی آن را به دو واژه مسئولیت و مدنی تجزیه کرده اند^(۴). این دسته مسئولیت را به پاسخ گوئی در مقابل اعمال فرد مسئول تعریف کرده اند که ضمانت اجرای آن بر حسب نوع مسئولیت متفاوت است. در ارتباط با روابط اجتماعی، مسئولیت به این معناست که شخص باید پاسخ گوی اعمال خویش باشد بنابراین هرگاه فرد به دیگری ضرری وارد کرد باید اقدام به تدارک و حیران ضرر وارده بکند و این همان مسئولیت مدنی می باشد.

ب) مسئولیت اخلاقی چیست؟

مسئولیت اخلاقی به معنای تعهد فرد به رفتارهایی است که بر اساس اصول و ارزش های اخلاقی^۸ عمل می کند و در نهایت می تواند تأثیر مثبت یا منفی بر جامعه و دیگران داشته باشد. این مسئولیت به هر فرد با توجه به شرایط و نقشی که در جامعه دارد اعمال می شود^(۴) مبانی مسئولیت اخلاقی عبارتند از^(۵):

۱- آگاهی و شناخت ارزش های اخلاقی: فرد باید با ارزش های اخلاقی آشنا شده و شناخت کافی در این زمینه داشته باشد. این شناخت به فرد کمک می کند تا از درست کاری و اشتباهاتش آگاه باشد.

۲- نیت مندی و قصد در انجام: از مهمترین مبانی در بحث مسئولیت اخلاقی این است که فرد پس از آگاهی و شناخت از اموری که دارای زیان برای دیگران است، با نیت مندی و قصد آن امور را انجام داده باشد.

۳- ارزیابی عواقب^۹: فرد باید در تصمیم گیری های خود، عواقب آن تصمیم را برای خود و دیگران بسنجد. این ارزیابی کمک می کند تا فرد تصمیم های خوب و درست تری بگیرد.

۴- پذیرش مسئولیت^{۱۰}: فرد باید مسئولیت رفتارهای خود را درک کند و آن را بپذیرد. این مسئولیت شامل درک این است که هر فرد قادر است در جامعه تأثیر گذار باشد و مسئولیتی در قبال این تأثیر دارد. مسئولیت اخلاقی یعنی اینکه فرد در تصمیم گیری ها و رفتارهای خود از ارزش ها و اصول اخلاقی پیروی کند و در نهایت مسئولیتی در قبال این رفتارها داشته باشد.

در این حوزه سه نظریه اصلی وجود دارد :

نظریه رفاه و خیر، و رفاه و شر :

این نظریه ناظر بر این موضوع است در مواردی که در اثر وقوع جرم؛ ضرر و زیان هایی به شخص یا جامعه تحمیل می شود و جبران خسارت از سوی مجرم یا عاقله امکان پذیر نباشد یا در مواردی که مدیون توانایی پرداخت دین خود را نداشته باشد و امثالهم؛ در این شرایط دولت یا بیت المال به نمایندگی و قائم مقامی از سوی آن ها؛ جبران خسارت می کند. در این موارد دولت مسئول قلمداد می شود نه برای حمایت از جانی و مجرم یا مدیون؛ بلکه برای حمایت از زیان دیده. در نظریه رفاه و خیر باعث اضرار به دیگران می شود محسن شناخته می شود و چون شخص محسن کار مفیدی را انجام داده است دولت برای حمایت از محسن و زیان دیده درصدد جبران خسارت زیان دیده بر می آید. لکن در نظریه رفاه و شر شخصی که باعث اضرار به دیگران می شود مجرم یا مدیون محسوب می شود. در این شرایط دولت ملزم به جبران خسارت نیست چون جبران خسارت از سوی مجرم یا مدیون بنا به شرایط خاصی امکان پذیر نیست؛ دولت خسارت وارده بر زیان دیده را جبران می کند. بالواقع یکی از اهداف اصلی مسئولیت مدنی این است که هیچ ضرری بلاجبران باقی نماند؛ برای تحقق این مهم، دولت ناگزیر به جبران خسارت زیان دیده می شود. فلذا با این مقدمه به بررسی و تبیین نظریه رفاه و شر و جبران دولتی خسارت بزه دیدگان خواهیم پرداخت؛ و به تفاوت آن با نظریه رفاه و خیر پی خواهیم برد. جبران خسارت بزه دیدگان عبارت است از پرداخت پول از طرف دولت به بزه دیدگان یا خانواده های آنان در برابر زیان ها یا آسیب های ناشی از جرم، در مواردی که جبران خسارت از سوی بزه کار یا دیگر منابع مالی امکان پذیر نباشد. پس از وقوع جرم، بزه دیدگان متحمل انواع صدمه های جسمی، مالی، روحی و روانی می شوند و جبران خسارت وارده بر آنان از رهگذر ابزارهای مالی تأثیر به سزایی در التیام صدمات وارده بر آنان خواهد

بر مفهوم اجتماعی تقصیر تأکید داشته و می‌نویسد؛ افراد جامعه باید به گونه‌ای رفتار نمایند، که موجب جلب اعتماد دیگران شود و در صورت تجاوز به این اعتماد عمومی مرتکب تقصیر شده‌اند. (۸) البته این تعریف ضابطه روشنی برای تقصیر بیان نمی‌دارد. نویسندگان داخلی با توجه به مواد ۹۵۱ به بعد قانون مدنی بر این باورند، تقصیر عبارت است از تعدی و تفریط. (۹).

نظریه خطر در برابر انتفاع مادی:

طرفداران این نظریه چون عدم تمایز بین عمل ناشی از تقصیر و عمل ناشی از غیر تقصیر در ایجاد مسئولیت را ناموجه و غیر اخلاقی دیدند، سعی کردند با قراردادن مسئولیت در برابر انتفاع چهره اخلاقی آن را حفظ کنند (۱۰). بر این اساس، اعلام کردند هر کس از انجام کاری سود می‌برد باید خسارات ناشی از آن را نیز تحمل کند. بنابراین، هر فعالیتی موجب مسئولیت نیست، بلکه تنها فعالیت‌های مسئولیت ساز است که انجام دهنده آن از عمل خویش انتفاع مادی برده باشد (۱۱ و ۱۲). ولی از آن‌جا که همه‌ای فعالیت‌های انسان به منظور انتفاع مادی صورت نمی‌گیرد، و گاهی ممکن است در انجام عمل زیان‌بار هیچ سودی مادی متصور نبوده و عمل مزبور صرفاً به منظور انتفاع معنوی انجام شده باشد، در این صورت، چون عامل زیان از عمل خویش هیچ گونه سودی مادی نبرده است، براساس نظریه «خطر در برابر انتفاع مادی»، فاقد هر گونه مسئولیت مدنی خواهد بود. (۱۲) بنابراین، برخی از خسارات جبران ناشده باقی خواهد ماند. این امر موجب شد که عده‌ای دیگر در صدد تکمیل و رفع نواقص این نظریه برآمده و نظریه دیگری تحت عنوان نظریه «خطرهای ایجاد شده» را مطرح کنند.

مبانی اخلاقی مسئولیت مبتنی بر تقصیر

تقصیر از جمله مفاهیمی است که مانند سایر مفاهیم حقوقی در طی گذر زمان همواره حسب عوامل مختلف در حال تغییر بوده است و هیچگاه مفهومی ثابت نداشته است.

از میان عوامل مختلف عوامل اقتصادی بیشترین تاثیر را در تحول مفهوم تقصیر داشته اند بدین معنا که به علت نیاز میرم جامعه به سرمایه گذاری تلاش شد تا از بار مسئولیت سرمایه گذاران کاسته شود. لذا مسئولیت مبتنی بر تقصیر شد تا سرمایه دار نگران پیامدهای ناخواسته سرمایه گذاری اش نباشد. پس از آن ورود اتومبیل، هواپیما و کشتی، سبب شد تا اثبات تقصیر با دشواری روبه رو شود جهت حل این مشکل یا تقصیر باید حذف می شد و یا به صورت اماره در نظر گرفته می شد. عوامل اجتماعی نیز باعث شدند تا مفهوم تقصیر به مفهوم نوعی و اجتماعی گرایش پیدا کند و از مفهوم شخصی فاصله بگیرد. مبانی فلسفی نیز که برگرفته از جدایی عدالت کیفری و عدالت توزیعی در فلسفه ی ارسطو بود باعث شد تا مسئولیت مدنی در قلمرو عدالت کیفری^{۱۳} قرار بگیرد و هدف آن مجازات فاعل زیان باشد زیرا تکیه بر اقدام ناروا و عدوانی است که او مرتکب شده است. تحولات مختلفی که

داشت. از این رو، در بسیاری از قوانین ملی و اسناد بین‌المللی حق جبران خسارت به عنوان یکی از حقوق اصلی بزه دیده به رسمیت شناخته شده است. اما پرسشی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که مسئولیت جبران خسارت های ناشی از جرم بر عهده کیست ؟ بدیهی است که پیش از همه این مسئولیت را باید بر عهده بزهکار دانست، زیرا صدمه‌های وارده ناشی از عمل او است. امروزه بیشتر نظام‌های کیفری با الهام از یافته‌های کیفرشناسی^{۱۴} و بزه دیده شناسی، در صدد پیش‌بینی سازوکارهای جبران خسارت توسط مجرم برآمده‌اند و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم، یکی از ضمانت اجرای اصلی جرم ارتكابی تلقی شده است. هرچند، در عمل جبران خسارت توسط بزهکار در تمامی موارد امکان پذیر نیست؛ گاهی نسبت دادن عمل مجرمانه به شخص یا اشخاص معین به دلایل گوناگون محقق نمی‌شود؛ در برخی موارد، بزهکار متواری یا مخفی شده و تا مدت‌ها پس از وقوع جرم، امکان شناسایی و دسترسی به او فراهم نمی‌شود؛ گاهی به رغم شناسایی و دستگیری مرتکب، به دلیل حجم بالای خسارت‌های ناشی از جرم، مجرم توانایی مالی برای جبران خسارت را ندارد. در این شرایط بحث مرجع مناسب برای جبران خسارت مطرح می‌شود. از یک سو، زندانی کردن مجرم به خاطر عجز از پرداخت ضرر و زیان، مشکل بزه دیدگان را حل نخواهد کرد و بر تراکم جمعیت کیفری خواهد افزود. از سوی دیگر، بی‌اعتنایی نسبت به جبران خسارت‌های بزه دیدگان و یا توصیه به صبر و انتظار، امری غیرمنطقی و نامعقول می‌نماید. از این رو، به نظر می‌رسد در مواردی که جبران خسارت‌های وارده بر بزه دیده از طرف بزهکار امکان پذیر نیست، بتوان علاوه بر بهره‌گیری از تسهیلات بیمه‌ای و صندوق‌های خیریه از منابع و بودجه‌های دولتی نیز به عنوان جایگزینی برای جبران خسارت استفاده کرد (۶).

نظریه تقصیر از منظر اخلاق:

این نظریه که خاستگاه غربی نیز به همراه دارد، مبتنی بر این باور است، که مسئولیت انسان در جایی است، که خطایی مرتکب شده است. حتی ادعا شده است، که بدیهی‌ترین و عقلانی‌ترین مبانی مسئولیت خطای عامل ورود زیان است. (۷) پیدایش نظریه تقصیر تحت تأثیر دو جریان بوده است:

وحدت مسئولیت کیفری^{۱۵} و مدنی: یعنی همان‌طور که از نظر جزایی انسان تنها در جایی مسئول به شمار می‌رود، که مرتکب خطا و تقصیری شده باشد. در مسئولیت مدنی نیز فقط در صورت ارتکاب تقصیر، مسئول محسوب خواهد شد. در حقوق رم نیز این دو مسئولیت مشترک بوده‌اند. اخلاق گرای: نظریه تقصیر تحت تأثیر تعلیمات مذهبی کلیسا بوده است. بر مبنای تعلیم کلیسا مسئولیت در جایی است، که وجدان از عمل انجام شده شرمسار است. به همین دلیل طرفداران نظریه تقصیر بر این باورند، که پای‌بندی به این نظریه راه مناسبی، برای رسیدن به آرمان اخلاق‌گرایی در حقوق است. درباره مفهوم تقصیر نیز در میان حقوق‌دانان اتفاق نظر وجود ندارد. مثلاً کولن و کاپیتان در تعریف تقصیر آورده‌اند: «تقصیر عبارت است، از خروج از رفتار یک انسان آگاه یا رفتاری که لازم بوده است». (۸) امانوئل از جمله نویسندگانی است، که

بر اساس قاعده، غرور چنانچه شخص مرتکب عملی شود که باعث فریب دیگری شود و آن فریب خورده زیانی به دیگری وارد نماید شخص فریب دهنده ضامن است.

آن چه در بحث ضمان غرور حایز اهمیت است جهل مغرور نسبت به غیر واقعی بودن قول غار است. در خصوص لزوم آگاهی داشتن از واقع و قصد فریب مغرور در فقه اختلاف است. به نظر مشهور وقتی کسی حقیقت را می داند ولی قصد فریفتن دیگری را ندارد هرگاه اعمالش در نظر عرف باعث اضرار به دیگری شود، ضامن است. اگر حقیقت را نداند عده ای معتقدند (۱۷ و ۱۸) بازهم غرور محقق می شود زیرا فعل این شخص دیگری را مغرور کرده است و جهل او رابطه علیت را از بین می برد. اما عده ای دیگر غرور را به معنای تدلیس می دانند و در مورد جاهل به غرور استناد نمی کنند (۱۹). در تعدیل این نظرات باید گفت چنان چه تقصیری به غار نسبت داده شود غرور محقق می شود هرچند که او قصد فریب نداشته و جاهل باشد اما هرگاه تقصیری را نتوان به او نسبت داد اغراء تحقق نمی یابد خواه جاهل باشد یا عالم معیار تقصیر نیز اقدام نامتعارف شخص است که همان معیار نوعی است.

یکی از عوامل رافع مسئولیت استیمن است یعنی امین مسئول ورود خسارات وارد شده به مال مورد امانت نیست اما چنان چه مرتکب تقصیر شود، صفت امانت از بین می رود و از این به بعد ضامن می شود برای تحقق تعدی و تفریط نیازی نیست که امین حتماً قصد تجاوز داشته باشد و معیار تقصیر نیز نوعی است؛ نه شخصی.

از آن چه در مورد مبانی مسئولیت در فقه گفته شد به نظر می رسد که مسئولیت مدنی در فقه مبنای واحدی ندارد؛ گاه مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و گاه تقصیر جایگاهی در تحقق مسئولیت ندارد.

مسئولیت مبتنی بر تقصیر در حقوق موضوعه ایران

در حقوق موضوعه ایران نیز تمام مسئولیتها بر پایه تقصیر بنا نشده است. قدیمی ترین مقررات در خصوص مسئولیت مدنی مربوط به اتلاف و تسبیب است. اتلاف در مواد ۳۲۸ الی ۳۳۰ ق.م. جمع آوری شده است و صرف ایجاد رابطه ی علیت عرفی بین فعل شخص و تلف برای تحقق مسئولیت کافی است و نیازی به احراز تقصیر او نیست تسبیب در مواد ۳۳۱ الی ۳۳۵ ق.م. جمع آوری شده است و لزوم وجود تقصیر را می توان از مواد ۳۳۴ و ۳۳۳ استنباط کرد زیرا مسئولیت مالک نسبت به خساراتی که در نتیجه ی خراب شدن دیوار یا کارخانه به بار می آید، منوط به بی مبالاتی او شده است و در ماده ی ۳۳۴ نیز مسئولیت مالک یا متصرف حیوان منوط به تقصیر مالک در نگهداری حیوان شده است. قانون مدنی در خصوص اجتماع سبب و مباشر قاعده ی اصلی را مسئول دانستن مباشر تلقی نموده است مگر این که سبب اقوی باشد و در توجیه آن گفته شده است از لحاظ عقلی اسناد فعل به علت نزدیک و نه علت بعیدی که سبب است معلوم و آشکار است و شکی نیست که مباشر نزدیک تر از سبب است (۲۰). در قانون قدیم مجازات نیز همین طور مقرر شده بود اما از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ پس در ماده ۵۲۶ این قانون عاملی را مسئول تلقی نموده است که

در طی زمان موثر بر مفهوم تقصیر شده است باعث شده تا تعاریف متفاوتی نیز از تقصیر ارایه شود.

گروهی از تعاریف مبتنی بر مجازات خطاکار می باشند گروهی دیگر مبتنی بر حمایت از حق و گروه سوم نیز مبتنی بر فایده و ضرر کار انجام شده می باشد. (۱۲).

در فقه نیز با توجه به معیار تعدی عرفی در مورد کسی که در ملک خویش آتش روشن نموده و آتش به ملک دیگری سرایت کرده است در صورتی او را مسئول شمرده اند که بیش از مقدار احتیاج آتش روشن کرده باشد و علم به سرایت آتش داشته باشد. اما عده ای از فقها تنها به معیار عرفی تعدی (مقدار متعارف) اکتفا نموده اند (۱۳ و ۱۴). اما عده ای دیگر (۱۵) علم و ظن به تعدی را موجب ضمان دانسته اند. اما در تعیین وجود ظن، معیار عرف و عادت را پذیرفته اند. عده ای دیگر از فقها (۱۴) تعدی عرفی را علت تحقق ضمان در انداختن پوست میوه روی زمین دانسته اند و آن را اضرار عرفی معرفی کرده اند. نقش عرف در انتساب ضرر وارده چنان روشن است که می توان گفت همه نظر عرف را در این مورد قبول دارند.

تقصیر و مبانی مسئولیت مدنی

با بررسی مبانی مسئولیت مدنی در فقه و مقایسه آن با مسئولیت اخلاقی به این نتیجه می رسیم که چند قاعده در فقه هستند که به عنوان مدرک اصلی ضمان مورد استفاده قرار میگیرند که در برخی از آنها تقصیر در تحقق مسئولیت ضروری است و در برخی دیگر نیازی به وجود عنصر تقصیر نمی باشد.

حسب قاعده اتلاف، عنصر تقصیر و عمد شرط مسئولیت فاعل زیان شناخته نشده است و چنان چه شخص مال دیگری را تلف کند ملزم به جبران خسارت خواهد بود خواه از روی عمد باشد و خواه قصد اتلاف نداشته باشد هر چند که باید بین فعل مباشر و تلف رابطه علیت عرفی وجود داشته باشد تا مسئولیت مدنی تحقق یابد. چنان چه شخصی بر اثر انفجار روی مالی پرتاب شود هر چند که سبب تلف شده است اما مسئول دانستن او به دلیل انتساب نداشتن ضرر وارده دشوار است.

حسب قاعده تسبیب شخص مقدمه تلف را فراهم می کند و در واقع دست به کاری میزند که اگر آن عمل نباشد تلف نیز رخ نمی دهد. البته منظور از عمل اعم است از فعل یا ترک فعل که صورت مثبت آن مثل این است که شخصی سنگی را در پیاده رو بیندازد و رهگذری پایش بلغزد و بشکند فعل منفی ترک فعلی است که سبب ورود خسارت بر غیر شود خواه ناشی از قرارداد باشد؛ خواه ناشی از وظایف قانونی که همه ی این اقسام از موارد تسبیب است اختلاف اتلاف و تسبیب هم در این است که در اتلاف همیشه فعل مثبت موجب ورود خسارت می شود و در تسبیب، زیان، مع الواسطه متوجه دیگری می شود و باترک فعل هم ورود زیان متصور است (۱۶). تسبیب در صورتی باعث ایجاد مسئولیت می شود که از لحاظ، عرفی تجاوز و عدوان باشد. لذا برخلاف آنچه در اتلاف گفته شد تقصیر یکی از ارکان مسئولیت است. (۱۶).

جنایت مستند به اوست و چنان چه جنایت مستند به تمام عوامل باشد مباشر و سبب به طور مساوی ضامن می باشند و اگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد در این صورت هر کدام به میزان تاثیر رفتارشان مسئول هستند. این ماده چنین مقرر می دارد: «هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تاثیر داشته باشند عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشند مگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تاثیر رفتارشان مسئول می باشند...» لذا به نظر می رسد که قانون گذار در ماده قانون مدنی یک قاعده کلی را مطرح کرده است زیرا اکثر مواقع مباشر اقوی از سبب است و این مانع از آن نیست که چنان چه تلف مستند به فعل سبب باشد و سبب نقش موثرتری داشته باشد وی را مسئول تلقی کرد.

قانون مسئولیت مدنی در ماده ی اول، مسئولیت را بر مبنای تقصیر محقق دانسته است. بدین معنا که ضرری که به دیگری وارد می شود باید در نتیجه ی عمد یا بی احتیاطی صورت بگیرد در ماده ی اول قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری، زمینی کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مسئول جبران خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه به اشخاص ثالث وارد می شود تلقی شده اند. که استثنایی بر ماده یک قانون مسئولیت مدنی است. قانون گذار برای دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی مسئولیت بدون تقصیر ایجاد کرده تا جبران خسارتهای ناشی از رانندگی اتومبیل را تضمین و دعاوی ناشی از آن را ساده کند (۲۱). با بررسی در فقه و حقوق موضوعه به این نتیجه میرسیم که قانون گذار ایران با تصویب قانون مسئولیت مدنی درصدد نسخ قوانین مغایر نبوده و وضع قانون بیمه اجباری و توجه به مفهوم اجتماعی تقصیر هم نشان می دهد که مقصود قانونگذار این نبوده که تقصیر را مبنای منحصر مسئولیت مدنی قرار دهد.

مسئولیت مبتنی بر تقصیر در نظام حقوقی کامن لا

در قرن نوزدهم دادگاه ها در حقوق کامن لا سعی کردند تا حقوق خطاها را به حقوق خطا^{۱۴} تبدیل کنند که یکی از این روشها گسترش و تقویت قلمرو بی احتیاطی یا تقصیر و تبدیل آن به یک اصل کلی برای مسئولیت بود (۲۲). در کامن لا اصل واحدی مبنای مسئولیت قرار نگرفته است همان طور که مسئولیت مبتنی بر تقصیر در همه موارد پذیرفته نشده است، مسئولیت بدون تقصیر هم جایگزین آن نشده است. به نظر می رسد که در کامن لا در موارد غفلت و بی احتیاطی اساس مسئولیت بر تقصیر بنا شده است و در موارد خاص از جمله نگهداری اشیای خطرناک یا اقداماتی که کارشناسی ویژه ای نیاز دارد مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده است. غفلت و بی احتیاطی در حقوق کامن لا به مفهوم خودداری از انجام کاری است که انسانی متعارف و معقول در آن شرایط انجام میداد و نیز انجام کاری که انسانی معقول و متعارف در آن شرایط انجام نمی داد و تقریباً معادل تقصیر در حقوق نوشته است. جز این که شامل تقصیر عمدی نمی شود.

در دعاوی جبران خسارت بر اساس بی احتیاطی (تقصیر) ابتدا باید ثابت شود خوانده یک تعهدی نسبت به خواهان داشته است که فرد مقصر در خصوص لزوم اعمال مراقبت منطقی این تکلیف را نقض کرده است. در این راستا قاعده ای به وجود آمد تحت عنوان اصل مجاورتی^{۱۵} که زمانی اعمال می شد که یک تعهد به مراقبت وجود داشته باشد به این معنا که اشخاص باید مراقبت منطقی اعمال کنند تا بدین وسیله از فعل یا ترک فعلی که به طور منطقی پیش بینی می کنند به دیگران آسیب میرساند جلوگیری کنند اینکه چه کسی مجاور به حساب می آید باید گفت اشخاصی که آن قدر نزدیک و مستقیم هستند را باید به عنوان افرادی که تحت تاثیر من قرار می گیرند در ذهن داشته باشیم و ملزم به اعمال مراقبت منطقی نسبت به آنها باشیم. در این قاعده ارتباط کافی و توالی عرفی میان طرفین رابطه ضروری می باشد. و منظور روابط نزدیک و بلا واسطه ای است که در آنها شخص از عمل متضمن تقصیر متأثر می شود. لذا در هر قضیه ای قابلیت پیش بینی توالی و منطقی بودن شرط لازم برای احراز تکلیف به مراقبت است در نتیجه در نظام کامن لا مسئولیت ممکن است قصد مبتنی بر و عمد، غفلت و بی احتیاطی یا مسئولیت مطلق باشد. که در این سه نوع مسئولیت مسئولیت ناشی از قصد و عمد و بی احتیاطی مبتنی بر تقصیر می باشد.

نتیجه گیری

تقصیر به معنای تجاوز و تعدی از رفتار و عملکرد انسانی معقول و متعارف است. تقصیر نقش قابل توجهی در حقوق مسئولیت مدنی ایفا میکند؛ به نحوی که قواعد عمومی مسئولیت مدنی، بسته به اینکه بر مبنای تقصیر یا بدون توجه به آن وضع شده باشند، در یکی از دو دسته مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت بدون تقصیر میگنجند. مبنای نظریه تقصیر پیوند عمیقی با اخلاق دارد چرا که حسن نیت و سوء نیت فاعل در جبران خسارت نقش به سزایی دارد. در تحولاتی که در نظریه تقصیر رخ داده است فحوای اخلاقی آن به روشنی مشخص است. مطالعه انواع تقسیمات تقصیر نیز به عمدی و غیر عمدی، شخصی و نوعی، ملاحظات اخلاقی را در این راستا به تصویر می کشاند. علاوه بر آن با بررسی نقش اخلاق در جبران خسارت در کنار مطالعه شرط عدم مسئولیت، از زاویه جدیدی وجهه اخلاقی راهکارهای قانون گذار در قانون مسئولیت مدنی در خصوص جبران خسارت مورد بررسی قرار می گیرد.

در نظام کامن لا مسئولیت مبتنی بر تقصیر، ناکارآمدی معیار شخصی و اخلاقی تقصیر را در پی دارد و به همین دلیل در جستجوی معیارهایی از مسئولیت اخلاقی در اجتماع و عرف رفتار برآمدند. در تعریف تقصیر از معیار اخلاقی و اجتماعی رفتار آمده است که مسئولیت اخلاقی بر رفتاری موید است که پایین تر از معیاری باشد که توسط حقوق برای حمایت از دیگران در مقابل خطر غیر معقول خسارت مقرر شده است. آن چه بیشتر از همه در کامن لا به چشم میخورد ابداع نظریه ی انسان معقول برای ارزیابی تقصیر است. انسان معقول کسی است که از ایجاد

ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملاً مورد توجه قرار گرفته است.

واژه نامه

1. Legal system	نظام حقوقی
2. Civil responsibility	مسئولیت مدنی
3. Islamic law	حقوق اسلامی
4. Ethial intention	قصد اخلاقی
5. Fault	تقصیر
6. Common law	کامن لا
7. Ethical responsibility	مسئولیت اخلاقی
8. Ethical values	ارزشهای اخلاقی
9. Assessment of consequences	ارزیابی عواقب
10. Acceptance of responsibility	پذیرش مسئولیت
11. Criminology	کیفرشناسی
12. Criminal responsibility	مسئولیت کیفری
13. Criminal justice	عدالت کیفری
14. Law of tort	حقوق خطا
15. Proximity principle	اصل مجاورت

خطر غیر معقول و قابل پیش بینی منجر به خسارت پرهیز می کند. بنابراین تقصیر عبارت است از عدم انجام امری که یک فرد معقول و متعارف در راستای انجام رفتار معمول انسانی در انجام امور انجام می دهد یا انجام کاری که یک فرد معقولا و متعارف آن را انجام نمی دهد. در حقوق موضوعه ایران نیز تقصیر مفهوم اخلاقی، عرفی و اجتماعی دارد همان طور که قانون مدنی در مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ در خصوص تعریف تعدی و تفریط دآوری عرف را در این خصوص پذیرفته است. مناسب ترین تعریفی که برای تقصیر به نظر می رسد عبارت است از تعدی و تفریط از رفتار انسانی متعارف در همان شرایط خارجی وقوع حادثه یا رفتاری که هرگاه یک شخص متعارف در شرایط حادثه قرار بگیرد مرتکب آن نمی شود. البته در معیار سنجش مفهوم اخلاقی و عرفی تقصیر نیز آن چه مورد پذیرش قرار گرفته، مفهوم اخلاقی-عرفی و اجتماعی آن است. همان طور که در مواد ۹۵۱ و ۹۵۳ و به ویژه ماده ۱۲۱۶ در خصوص مسئولیت مجبورین دآوری درباره ی تقصیر را با معیار نوعی پذیرفته است زیرا در این مواد به شرایط جسمی و روحی مقصر توجهی نشده است و معیار تمیز خطا نیز دآوری اخلاق عرفی است.

References

- Katoozian N. Liability of motor vehicle owners. Journal of Law and Political Science, 1975; 18(2). (In Persian).
- Taghizadeh E. Civil rights, property and ownership rights. 1st ed. Iran/Tehran: Majd Publication. 2007. (In Persian).
- Katoozian N. Non-contractual requirements, civil liability. 1st ed. Iran/Tehran: Tehran University Press. 2011. (In Persian).
- Mohammadi S, Jafari MJ, Azadbakht F. Principle of prohibition of harmful use of land and dealing with environmental damage of fine dust in international law with emphasis on the moral responsibility of countries. Ethics in Science and Technology 2023; 17 (4) :58-65. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1401.17.4.9.5](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1401.17.4.9.5)
- Hoseinzadeh Yazdi M, Tahari M. Social and ethical responsibility against social determinism. Ethics in Science and Technology 2019; 14 (1) :5-11. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1398.14.1.2.1](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1398.14.1.2.1)
- Farajiha M, Baziar A. State compensation to the victims of crime in criminal law of Iran and Britain. Comparative Law Review, 2012; 2(2): 133-152. (In Persian). Dor: [20.1001.1.1735496.1390.2.2.7.0](https://doi.org/10.1001.1.1735496.1390.2.2.7.0)
- Ghaderi M, Javadi M, Jafarzadeh S. Adaptation of civil liability & social justice: attention to the component of intentional fault. Ethics in Science and Technology 2021; 16 (2) :3-9. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1400.16.2.3.8](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1400.16.2.3.8)
- Ameri H. Specialized agencies, United Nations. Translated by Majlesi F. 1st ed. Tehran: Publications of the Ministry of Foreign Affairs. 2001. (In Persian).
- Tajik A, Khoeini G, Khazaei A, Shafiei H. The role of ethics in civil liability focusing on the principles of carrier's civil liability (a philosophical-ethical study). Int. J. Ethics Soc 2021; 3 (2) :16-26. Doi: [10.52547/ijethics.3.2.16](https://doi.org/10.52547/ijethics.3.2.16)
- Moradi A, Saberian A. Ethics and excuse in contract execution in Iranian civil & commercial law. Int. J. Ethics Soc 2021; 3 (1) :1-8. Doi: [10.52547/ijethics.3.1.1](https://doi.org/10.52547/ijethics.3.1.1)
- Hekmatnia M. Criticism of the book of jurisprudence and law. Journal of Jurisprudence and Law, 2007; 1(5). (In Persian).
- Lovasar G. General criminal law. Translated by Vedadian H. 1st ed. Tehran: Allame Tabatabaei University Press. 1996. (In Persian).
- Mousavi Khomeini R. Tahrir Al-Vasile. 1st ed. Tehran: Islamic Scientific Institute. 1984. (In Persian).
- Mousavi Khoei SA. Buildings that complement the curriculum. 1st ed. Iraq/ Najaf: Arts Press. 1428. (In Arabic).
- Ghasemzadeh SM. Obligations and civil liability without contract. 1st ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. 2010. (In Persian).
- Mohaghegh Damad SM. Jurisprudence rules of the civil sector. 1st ed. Iran/Tehran: Tehran Islamic Sciences Publishing Center. 2003. (In Persian).
- Tabatabaei SM. Margin on earnings. 1st ed. Iran/Qom: Esmaeylion Publication. (In Arabic).
- Kalantari S. A look at the economic, political and sociological issues of the third world. 1st ed. Iran/Tehran: Publications of the Research Institute of Economic Affairs. 2005. (In Persian).



19. Mousavi Bojnurdi H. Jurisprudence rules. 1st ed. Iran/Tehran: Ehda International Publication. 2010. (In Arabic).
20. Najafi MH. Jewels of speech in explaining the laws of Islam. 1st ed. Iran/Tehran: Ketab Publication. 2008. (In Persian).
21. Jafari Langeroodi MJ. Terminology of law. 45th ed. Iran/Tehran: Ganje Danesh Publication. 2017. (In Persian).
22. Harlow C. Understanding tort law. 1st ed. Britain/London: Sweet & Maxwell. 2005).